



نشریه الکترونیکی کمیته بین المللی علیه اعدام

علیه اعدام ۶۵

جمعه، ۱۱ خرداد ۱۳۸۶، ۱ ژوئن ۲۰۰۷

مجازات اعدام شنیع

ترین شکل قتل عمد

www.adpi.net

Tel:0046733684151

baghche2000@yahoo.com

سردبیر: بابک شدیدی

مسعود نوجوانی دیگر در خطر اعدام!

مسعود نوجوانی ۱۷ ساله است که به جرم قتل پدر و مادر بزرگش به اعدام محکوم شده است و در زندان ساری بسر می برد. مسعود نوجوان هم یکی دیگر از قربانیان جامعه ایران است. جامعه ای که جان انسان ارزشی ندارد و بی عدالتی، بی امکانی و انواع فشارهای روانی به کودکان در آن موج می زند. نوجوانانی همچون مسعود قربانی سیستم ضد بشری است که جمهوری اسلامی سرمایه برای مردم ساخته است.

داستان زندگی مسعود غم انگیز تر از هر داستانی است. او سیزده ساله بود که مادرش از پدر معتادش جدا شد. دادگاه اسلامی آنها را از مادرشان گرفت و سرپرستی شان را به پدر و مادر بزرگشان سپرد. بچه ها دوست نداشتند پیش آنها زندگی کنند، آنها خیلی پیر بودند و نه تنها توانایی نگهداری از سه کودک را نداشتند بلکه خیلی تند خو و بد رفتار بودند. آنها هر چند از ثروتمندان بابل هستند اما کودکان در زیر

صفحه ۲

نامه سرگشاده مینا احدی
به همه نهادهای مدافع حقوق انسانی
متحدانه و بهر طریق ممکن، کمک کنید، خالد هردانی و کبرا نجار را
نجات دهیم!
کبرا نجار در یک قدمی سنگسار، خالد هردانی در یک قدمی اعدام



این دو نفر محکومین به اجرا شود، امضا کند. این بار اعدام و سنگسار، از ما جمهوری اسلامی ایران خالد هردانی را به اتهام " محاربه با خدا" میخواهد اعدام کند. کبرا نجار را در زندان تبریز اجرای حکم سنگسار تهدید نظر هستند که تنها شانس میکند. کبرا سه بار به نجات کبرای جوان از کمپسیون " عفو و بخشش" سنگسار، اعمال فشار علیه حکومت اسلامی نامه فرستاده جمهوری اسلامی و انجام و تقاضای " بخشودگی " مجموعه فعالیتهای بین کرده است و هر سه بار به او المللی است. جواب منفی داده اند. اکنون او و وکلای جدید پرونده بر این

ایمان بعد از 7 دقیقه بر دار، از اعدام نجات پیدا کرد!

کمپین لغو مجازات اعدام را باید گسترده تر کرد!

ایمان یکی از محکومین به بعد از 7 دقیقه بر دار کشیدن وی ایمان میتواند این لحظات و اعدام که نامش در لیست خانواده مرتضی، او را این روزها را هرگز کودکان و نوجوانان محکوم بخشیدند و ایمان بعد از فراموش کند. آیا میتواند با به اعدام قرار دارد، از رسیدن به بیمارستان از مرگ مردمی که نظاره گر این مرگ حتمی نجات یافت. نجات یافت. اما آیا ارتباط گرفته و زندگی کند؟ اعدامش از سوی دیوان کسی میتواند زندگی نوجوانی ایمان نجات یافت. اما همین عالی کشور، قرار بود در را تصور کند که با مرگ یک صحنه کافی است تا شهرستان کازرون به دار چنین از نزدیک تماس داشته آویخته شود، بعد از دقایقی و تا پای مرگ رفته است. آیا

صفحه ۲

ستون اول

بررسی قانون ممنوعیت اعدام کودکان در مجلس اسلامی شروع شد! این عقب نشینی جمهوری اسلامی گامی بزرگ برای لغو مجازات اعدام است!



منوچهر ماسوری

بر طبق گزارشات منتشر شده از سوی روزنامه اعتماد، مجلس شورای اسلامی رژیم، کار بررسی لایحه پیشنهادی قوه قضاییه اسلامی را مبنی بر ممنوعیت مجازات اعدام و حبس ابد برای کودکان زیر 18 سال آغاز کرد.

بررسی این قانون در مجلس اسلامی در حالی شروع می شود که دادگاههای جمهوری اسلامی همچنان بیرحمانه نه تنها احکام اعدام برای نوجوانان صادر می کنند بلکه این احکام هم اجرا می شود. مسعود نوجوان 17 ساله در زندان ساری، حکم اعدام گرفت.

صفحه ۲

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

مسعود نوجوانی دیگر

فشارهای مادی شدید قرار داشتند و مداوم به آنها میگفتند که ما نمی توانیم به شماها برسیم، چرا مادران طلاق گرفته و شدیدترین فشارهای روحی را بر کودکان می آوردند.

مسعود نمیتوانست مادرش را ببیند. مدتی بعد مادرش مجبور شد با مردی که بیست سال از خودش بزرگتر بود ازدواج کند. این بهانه ای برای مادر و پدر بزرگ شده بود تا مسعود را تحت فشار

قرار دهند که مادران زن خوبی نیست و غیرو. مسعود در سنین بلوغ بود و این وضعیت و این رفتارها کاملاً او را داغان کرده بود. مسعود در شانزده سالگی تحت این فشارها دو بار دست به خودکشی زد، اما خوشبختانه زنده ماند. او دیگر درس نمیخواند و به مدرسه نمیرفت. تا دیر وقت در خیابانها پرسه میزد و دوست نداشت به خانه برگردد. يك شب وقتی به خانه رسید آنها منتظرش هستند و اذیت و

آزارش می دهند و میخواهند که او را از خانه بیرون کنند. مسعود از خودش دفاع میکند و می گوید که جایی را ندارد که برود اما پدر و مادر بزرگش به او و به مادرش فحاشی میکردند و با حرفهای زشت و رکیک او را عصبی کرده بودند. او دیگر اختیار از دستش خارج شده بود با چاقو به پدر و مادر بزرگش حمله میکند و آنها را میکشد. او میگوید نفهمیدم به چه کاری دست زده ام تا اینکه خودم را در بیمارستان دیدم.

او خودش را به پلیس معرفی میکند و دادگاه اسلامی او را به جرم قتل محکوم به اعدام کرده است. این اتفاق شش ماه پیش رخ داده است. کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان لغو فوری حکم اعدام مسعود است. مسعود را باید معالجه کرد. باید امکانات پزشکی و روانپزشکی در اختیار وی قرار داد تا شاید بشود، بخشی از زخمهایی که روان این کودک خورده است، درمان گردد. کمیته بین المللی علیه اعدام مدافعان حقوق کودک و حقوق بشر و جامعه مدرن و مترقی دنیا را

فرا می خواند تا از مسعود، دفاع کنند و خواهان لغو حکم اعدام او شوند. بهر طریق ممکن که می توانید از کمپین " اعدام کودکان را متوقف کنید" حمایت کنید. به سایت این کمپین مراجعه کنید و بیانییه ها، قطعنامه ها و پتیشن را امضاء کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
2007/05/24
<http://www.stopchildexecutions.com>
www.adpi.net
manochermasori@yahoo.com

ایمان بعد از 7 دقیقه

همگان موجی از نفرت و انزجار را روانه حکومت فاشیست حاکم بر ایران کنند. همزمان با نجات ایمان، اعدام کودکان و نوجوانان ادامه دارد و دادگاه های جمهوری اسلامی احکام اعدام دیگری صادر کردند. سعید کمبرزی هفده ساله در بلوچستان، یک هفته قبل، وحشیانه اعدام شد.

در کنار این اعدام ها، مجلس جنایتکاران حاکم بر ایران، مجلس حکومت اسلامی

بررسی لغو مجازات اعدام برای کودکان و نوجوانان زیر 18 را در دستور گذاشت. کمپین جهانی لغو مجازات اعدام کودکان که به صورت گسترده به پیش می رود، توانسته است توجه و حمایت بسیاری را جلب کند. پتیشن کمپین را بیش از 6100 نفر تا به امروز امضاء کرده اند. این امضاء ها از سراسر دنیا، از برزیل، کانادا، امریکا، ایران و اروپا گرفته تا کشورهای دیگر آسیا، متعلق به انسانهای

مختلفی است که نظر مشترک انسانی اش لغو قانون مجازات اعدام و بویژه اعدام کودکان است. در میان اینها صدها نماینده احزاب و پارلمانهای اروپایی، کانادایی و دیگر کشورها وجود دارد. تنها در کشور سوئد بیش از صد نماینده پارلمان امضاء کرده اند. در شرایطی که مجلس اسلامی قانون لغو مجازات اعدام کودکان را در دستور دارد باید این کمپین را گسترده تر کرد و صدها

هزار نامه از طرف مردم انسان دوست و مدافع کمپین از سراسر جهان علیه حکومت جنایتکار اسلامی روانه کرد. کمیته بین المللی به سهم خود تلاش خواهد کرد که کمپین را گسترده تر به پیش ببرد. ما از همه مردم شریف دنیا می خواهیم که به این کمپین بپیوندند. پتیشن کمپین "اعدام کودکان را متوقف کنید" را امضاء کنید و لینک آن را به روابط خودتان ارسال کنید. جمهوری جنایت اسلامی که با قتل

کودکان و نوجوانان پرده سیاه دیگری از جنایتکاری خود را به نمایش گذاشته است، باید با اعتراضات جهانی علیه خود مجبور شود در مقابل این اعتراضات زانو زده و احکام اعدام کودکان و نوجوانان و قانون قتل کودکان را فوراً ملغی کند!

کمیته بین المللی علیه اعدام
2007/05/31

بررسی قانون ممنوعیت ..

جوانی به اسم امین بعد از هفت دقیقه بالای چوبه دار، از سوی خانواده مقتول بخشیده شد و از مرگ نجات پیدا کرد. اما جوانی دیگر در بلوچستان به نام سعید که فقط 17 سال داشت، در همین هفته پیش به طناب دار سپرده شد و جان خود را از دست داد. این پرونده جنایات جمهوری اسلامی در همین هفته گذشته است. در زندانهای رژیم بر طبق اسناد رسمی، 34 نوجوان و بر طبق گزارشات شفاهی وکلای ایران، صدها نوجوان حکم اعدام گرفته اند که در زندانهای سراسر کشور، به انتظار کشنده اجرای حکم

اعدام خود نشسته اند. در ماه فوریه سال 2007 میلادی، مینا احدی از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام و نازنین افشین جم، کمپین گسترده ای علیه اعدام نوجوانان در ایران شروع کردند که در مدت کوتاهی به یک کمپین قوی و جهانی تبدیل شد. هزاران نفر در سراسر دنیا از این کمپین حمایت کردند. صدها نماینده پارلمان اروپا، سوئد، نروژ و کانادا، حمایت خود را از این کمپین اعلام کرده اند. بعد از چهار ماه فعالیت گسترده این کمپین، برپایی تظاهرات، متینگ، سمینار و مصاحبه های مینا احدی، نازنین افشین جم و من با مدیای فارسی

زبان، انگلیسی زبان و زبانهای دیگر، قوه قضایی جمهوری اسلامی لایحه ای برای منع احکام اعدام و حبس ابد نوجوانان به مجلس اسلامی تحویل داد. در طول زمانی که مجلس اسلامی جمهوری اسلامی به بررسی و تصویب این قانون مبادرت دارد باید کمپین "اعدام کودکان را متوقف کنید" را هر چه گسترده تر کرد و با فشارهای بین المللی به مجلس اسلامی، از هرگونه مانع تراشی مجلس اسلامی در مقابل تصویب این قانون جلوگیری کرد. می توان و باید در یک همبستگی سراسری عقب نشینهای بیشتری را به جمهوری اسلامی تحمیل نمود.

نامه سرگشاده مینا احدی ..
خالد هردانی به اتهام هواپیماربابی به قصد فرار از ایران دستگیر و محکوم به اعدام شد و اکنون با " جرم" محاربه با خدا میخوانند اعدامش کنند. و کبرا مادر چهار فرزند است. او که دیپلمه و اهل سندج بود، بعد از ازدواج، تحت فشار همسر معتادش مجبور به تن فروشی شده و اکنون به " جرم" رابطه جنسی خارج از ازدواج میخوانند سنگسارش کنند.
خطر جان این دو نفر را تهدید میکند. وکلای پرونده و خانواده این دو نفر، خواهان انجام اقدامات فوری برای نجات جان آنها هستند.

تلفن کردن از سلول مرگ و شنیدن صدای محکومین به اعدام و سنگسار، برای اینکه کمکشان کنیم، یک پدیده منحصر بفرد است. پدیده ای دردناک و بسیار سخت و در عین حال این تلفنها و نلرزیدن صدای محکومین به اعدام و سنگسار، بیانگر اعتماد و امید آنها به ما و مدافعین حقوق انسانی است. بیانگر قدرت جنبش علیه قتل عمد دولتی است. مردم و خود زندانیان به عینه دیده اند، اگر ما تلاش کرده و در ایران و در دنیا اعتراض کرده ایم، اگر ما میتینگ و تظاهرات راه انداخته و با

سنگسار دعا به راستی که روح انسانیت را جریحه دار کرده است!

منوچهر ماسوری



صدای بغض آلودش زخم دیگری را بر روح روانم جر داد. "دعا، فیلم دعا را دیدم، آخه چرا؟ من نمی فهم به من بگو چرا؟ برای من توضیح بده! و سپس سکوت". شهرام سه روز قبل از این از من خواسته بود که لینک فیلم سنگسار دعا را برای او ارسال کنم، از شنیدن صدای زخم خورده اش، پشیمان شدم که لینک فیلم را برایش ارسال کرده ام. پرسیدم شهرام جان حالت خوبه کجایی؟ با همان بغض دلخراشش ادامه داد "سه روزه که خواب و خوراک ندارم، تمرین دیگه نمی رم، مربی ایم به شدت از دستم شاکیه، با دوستان سوندی ام راجع به این فیلم و تأثیر منفی آن که حرف زد همه زدند زیر گریه، هیچکس این وحشیگری را

همراه، عکس های سنگسار دعا را برای هم می فرستند و هرکس این عکس ها را می بیند، اشک در چشمانش و خشم در وجودش غلیان می کند. آ- ای ادامه می دهد که اما انسانهای زیادی بودند که توان نگاه کردن به عکسها را هم نداشتند و با وحشت چشمان اشک آلودشان را با دستهای خود پنهان می کردند. او می نویسد که چگونه یکی از دوستانش هنگام شنیدن صدای دعا به حالت هیستریک و وحشت زده ای دستانش روی گوشه اش قرار می دهد و از ته دل شروع به فریاد زدن می کند. انگاری با فریادهای بلندش می خواست صدای دلخراش دعا از گوشه اش پاک کند. هفته پیش تلفن همراه به صدا درآمد، جواب دادم. آنسوی گوشی صدای ضعیف شهرام یکی از جوانانی که با کمیته بین المللی علیه اعدام همکاری می کند را شناختم. با تعجب و نگرانی حالش را پرسیدم.

بود که یکبار دیگر داستان سنگسار دعا را از گلوی بغض کرده اینان می شنیدم. دوست عزیزی از کردستان گزارشی در رابطه با انعکاس و تأثیر سنگسار دعا بر خودش و مردم برای من فرستاده است که در این جا خلاصه از آن را می آورم. دوست گرامی آ- ای تحت تیتر "زن کشتی ممنوع" می نویسد: خبر بسیار داغ، تراژدی و تکان دهنده بود، باید خود را به جای این دختر نگون بخت قرار دهی و به درونت رجوع کنی تا ذره ای حس کنی چقدر وحشتناک و ترسناک است که این چنین آدم در بین عده ای خون خوار و گرگ صفت گرفتار شود و ذره ذره در چنگال آنان وحشیانه جان شیرین خود را از دست بدهد. سپس این دوست گرامی از خشم مردمی که این خیر را شنیده اند و یا فیلم را دیده اند می گوید. وی به سانسور اینترنت اشاره می کند و می گوید که مردم به وسیله تلفن های

تأثیر روحی و روانی سنگسار دعا بر جامعه بشری و انسانهای که فیلم سنگسار را مشاهده کرده اند، بسیار گویا است. عکس العمل این انسانهای شریف نشان از عمق بیدار انسانیت دارد. نشان از تنفر و انزجار انسانیت از این بربریت و وحشیگری است. من شخصاً توان دیدن فیلم را نداشتم. در طول زندگی ام صحنه های بسیار وحشتناکی دیده ام که آثارش بر روح و روانم برجا مانده است. ترس از این که کلبس کنم و دیگر توان بلند شدن نداشته باشم، اجازه نداد که فیلم را نگاه کنم. اما انسانها بیشماری این فیلم را دیدند و بسیاری از آنان از خواب و خوراک و زندگی افتادند. بسیاری با چشمان قرمز شده و اشک آلود سراغ روانپزشک رفتند. من در هفته های گذشته با نمونه های برخورد کردم که از یکطرف خوشحال کننده بود که اینگونه انسانهای شریفی وجود دارند و از طرف دیگر غم انگیز بود و درآورد

با پارلمانها و یا کمیسیونهای حقوق بشر در پارلمانهای کشورهای اروپایی و در هر کشوری که امکانش را دارید، تماس گرفته و با آنها ملاقات کنید و خواهان اعتراض فوری آنها به سنگسار و اعدامها در ایران و اعتراض فوری به این احکام شوید! با ما همراه و همصدا شوید و جان دو انسان را از مرگ نجات دهید!

اسلامی و یا در مراکز شهرها تجمع کنید و بر علیه اعدام و سنگسار و بر علیه حکم اعدام خالد هردانی و حکم سنگسار کبرا نجار تظاهرات کنید. فعالین و مسئولین کمیته علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار خواهند کوشید بهمراه سازمانهای بین المللی، اقدامات لازم را برای انجام یک حرکت گسترده جهانی تدارک ببینند. ارسال نامه اعتراضی به سازمان ملل، اتحادیه اروپا، برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران برای لغو فوری این احکام از جمله اقدامات دیگری است که باید وسیعاً در دستور گذاشته شود. در همه وبلاگها و سایتهای اینترنتی خبر این واقعه و مجموعه اقدامات را درج کنید!

ما فعالین و دست اندرکاران کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته علیه سنگسار از همه سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسانی، از شخصیتها، هنرمندان و هر آن کسی که علاقمند به حقوق و حرمت انسانی است، دعوت میکنیم که در مجموعه فعالیتهای علیه اعدام و سنگسار خالد هردانی و کبرانجار، به ما بپیوندید! برای نجات جان این دو نفر و برای اعمال فشار به حکومت جنایتکار اسلامی، ما اعلام میکنیم که در روزهای آتی مجموعه اقداماتی فوری را باید در دستور گذاشت. تظاهرات و میتینگ اعتراضی، اعمال فشار به جمهوری اسلامی و دامن زدن به یک حرکت و جنبش جهانی علیه اعدام و سنگسار روزهای جمعه و شنبه ۱۵ و ۱۶ ژوئن در هر جایی که امکانش را دارید، در مقابل سفارتخانه های رژیم

مجموعه اقدامات بین المللی جلب توجه کرده ایم، حکومت اسلامی و ادار به عقب نشینی شده و جان تعداد زیادی نجات یافته است. این قدرت جنبش علیه اعدام و سنگسار است و این قدرت را باید صد چندان کنیم! ما که در بیرون از این زندانها هستیم و بویژه ما که از جهنم جمهوری اسلامی نیز فرار کرده و در کشورهای دیگر ساکن هستیم، باید فوراً دست بکار شویم. برای نجات جان کسانی که سالهای سال است با مرگ دست و پنجه نرم میکنند و همین امروز در سیاهچال حکومت اسلامی، لحظات را می شمارند و با هر صدای پای و با هر حرکتی قلبشان به طپش در می افتد، "شاید این لحظات آخر زندگی من است!" برای نجات جان اینها باید فوراً به پا خاست!

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه
سنگسار
۲ ژوئن ۲۰۰۷
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
minaahadi@aol.com
www.adpi.net

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

به دنیایی به دور از سنگسار و اعدام و شکنجه، تبدیل کنند سنگینی می کند. میلیونها انسان نیاز است. دست های بی شماری باید دستهای ما را بفشارد تا بتوانیم دنیایی پر از سعادت و خوشبختی و عشق برای انسانها بسازیم. گرمی دستانتان را از ما دریغ نکنید. با هم، در کنار هم و دست در دست هم می توانیم، انسانیت را بر بربریت پیروز کنیم.



عزیز به دستم رسید. راستش را بگویم دیگر داشتم با خود فکر می کردم که زحمت های شما بی فایده خواهد بود و نمی شود از این به ظاهر انسانها به زودی انسان درست کرد. اما این خبر من را از این حالت منفی در آورد و باز جرقه امید در قلبم زده شد. پس می شود امیدوار بود.

ببخشید آقا منوچهر اگر از ناامیدم گفتم. اما بعد از دیدن فیلم دعا واقعاً دگرگون شدم. لطفن بیشتر از قبل فعالیت کنید، ترا به خدا نگذارید کسانی دیگری به سرنوشت دعا گرفتار شوند!

وقتی نامه لیلا به دستم رسید، مشغول نوشتن اطلاعیه علیه سنگسار کبرا-ن بودم. با بغض و چشمان اشک آلود نامه لیلا را خواندم. از اینکه لیلاها، شهرام ها و هزاران نفر مانند دوست عزیزم آای، وجود دارند، احساس مخلوطی از غم و امید به درونم رخنه کرده است. می فهمم که چه مسؤلیت عظیمی به دوش انسانهایی که در تلاشند این دنیای وارونه و ناعادلانه

قتل دعا را نگاه کردم، اینقدر گریه کردم که یادم نمی آید در عمرم اینقدر گریه کرده باشم. با خودم می گفتم چرا من آنجا نبودم، در میان آن جمعیت سنگدل تا خودم را بر روی جسم تازه شکفته دعا بیندازم و از برخورد آنهمه سنگ سنگدلان بر سر صورت ماهش جلوگیری کنم. چرا آخر؟ چرا؟ بیزار شدم از مذهب. خجالت می کشم بگم مسلمانم. در انسانیت همه آنهای که در آن صحنه حضور داشتند به شک افتادم. تمامی تنم می لرزه و تپش قلبم دیگر میزان نیست. تپش قلب منظمی دیگر ندارم. قلبم فریاد می کشد از دست این نالسانها. چطور انسانی می تواند با انسانی چنین کاری را بکند. نمی فهمم نه نمی توانم هضمش کنم. من که همیشه سرم پایین است که مبدا مورچه ای لگد کنم، نمی توانم بفهمم. در اوج ناامیدی بودم که این خبر خوش (لیلا به خبر نجات امین از طناب دار اشاره دارد) از طرف شما

نمی فهمد، من نمی دانم چکار کنم، دوستانم گفتند که باید به روانپزشک مراجعه کنم، شما بگید من چکار کنم." سعی می کنم بر خود مسلط شوم و داستان پلا و فادیمه و هزاران دختر و زن بیگناه را که قربانی تعصب مذهبی و سنتی می شوند را برایش بازگو می کنم. ولی فایده ای ندارد. شهرام بهت زده و شوکه شده فقط می پرسد آخه چرا؟ آخه چرا تعصب؟ مگر عاشق شدن گناهه؟ من شرم میآد که بگم از ایران آدم، از خاورمیانه آمده ام، از هرچه مذهب و سنت متفروم. شهرام را بعد از یکساعت آرام می کنم و از او قول می گیریم که به روانپزشک مراجعه کند. اما آیا فقط شهرام است که اینچنین از دیدن این وحشیگری و بربریت آسیب دیده است.

لیلا یکی از دوستان کمیده بین المللی علیه اعدام در نامه ای می نویسد: " امشب فیلم جنایت وحشیانه

حکم سنگسار کبری باید فوراً لغو شود! کبرا در آستانه سنگسار

کبرای جوان را خطر سنگسار تهدید میکند. او که متولد شهر سنندج است، زندگی دردناکی داشته است، که اگر کسانی پیدا شوند و از زندگی سرپا درد و رنج و تحقیر و فلاکت او فیلم درست کنند، بشریت به حال او خواهد گریست. کبرا بدبختانه در ایران تحت حاکمیت جلادان اسلامی متولد شده و تن به ازدواج اجباری داده و بعد از چهار فرزند که بدنیا آورده، برای سیر کردن شکم فرزندان و تحت فشار همسر معتادش، تن فروشی میکرده است. کبری هم مانند هزاران زن دیگر قربانی جامعه فقرزده، اعتیاد زده اسلامی است. همسر او تهدید می کند که در صورت عدم انجام خواسته های وی، کودکش را مورد شکنجه و آزار قرار خواهد داد. کبرا یکبار از همسرش جدا می شود اما مجبور می شود که به خاطر دو دخترش به نزد همسرش برگردد. کبرا با مردی به نام حبیب که همسرش به عنوان مشتری به خانه آورده است، آشنا می شود. حبیب وقتی از مشکلات کبری با خبر می شود، همسر کبرا را به قتل می رساند. حبیب به قصاص محکوم می شود ولی با گذشت اولیای دم و پرداخت دیه آزاد می شود. کبرا به اتهام معاونت در قتل به 5 سال

حبس و به اتهام اخفای جرم به 3 سال و به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج به سنگسار محکوم می شود. کبری قربانی شریایی است که به وی تحمیل شده است. زمانی که وی به کمک احتیاج داشته است که بتواند بطور مستقل از همسرش زندگی اش را اداره کند و فرزندانش را سرپرستی کند، هیچ مرجعی نهادی از وی حمایت نمی کند. حال که نیاز بیشتری به حمایت جامعه دارد، جامعه اسلامی مانند همیشه این قربانی را هم به مجازات سنگسار محکوم می کند.

مردم آزاده، گروه ها و سازمانهای مدافع حقوق انسانی، فرصت زیادی برای ادامه زندگی کبرا نمانده است. باید دست در دست همه در یک کمپین گسترده و قوی، موجبات آزادی وی را فراهم کنیم. نباید بگذاریم که کبرا را سنگسار کنند. این کبرا هم مانند کبرا رحمانپور، شمامه قربانی و ده ها زن و مرد دیگر قربانی بی عدالتی و نابسامانی جامعه اسلامی است. ما اجازه نخواهیم داد که حتی یک نفر را دیگر را سنگسار کنند. این را ما به

کمیده بین المللی علیه اعدام
manochermasori@yahoo.com
www.adpi.net

هماهنگ کننده و

سخنگو کمیته:

مینا احدی

00491775692413

minaahadi@aol.com

مسوول تشکیلات کمیته:

منوچهر ماسوری

0046704917494

manochermasori@yahoo.com

www.adpi.net

نشریه علیه اعدام را

تکثیر و پخش کنید